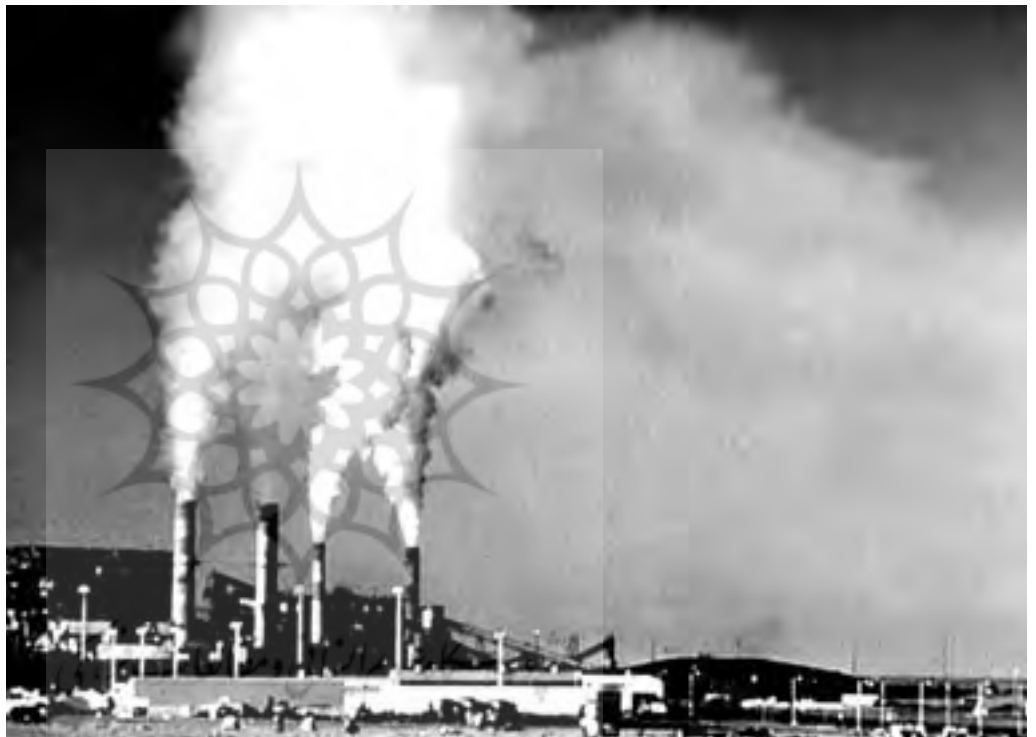


# مالیات‌های زیست محیطی و معیارهایی برای استفاده از آنها

شکوه سادات سیدعلی اکبر، کارشناس ارشد اقتصاد



## مقدمه

علیرغم موفقیت بشر در کاهش تخریب محیط زیست، هنوز واحدهای صنعتی، هزینه‌های هنگفتی را بر نسل آینده تحمیل می‌کنند. در حال حاضر، محیط زیست با یک فشار عظیم آلودگی مواجه است. در مورد این امر که سیستم ما در معرض نابودی است، یک اجماع نظر وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد که در مورد تأثیرات بلندمدت تخریب محیط زیست کمتر کسی نگران باشد. به هر حال، در دهه‌های اخیر، بحث‌های زیست محیطی از سوی برخی از اقتصاددانان آغاز شده است. پی‌ریزی اقتصادی که به محیط زیست آسیب نرساند، بسیار دشوار به نظر می‌رسد، ولی تقریباً همه کشورها این کار مهم را آغاز کرده‌اند. به طور مثال، چین نرخ باروری خود را به دو فرزند به ازای هر زن تقلیل داده و احتمالاً تا چند دهه آینده،

به ثبات جمعیتی دست خواهد یافت؛ دانمارک احداث نیروگاه‌های زغال سوز را ممنوع کرده است؛ رژیم اشغالگر قدس پیش‌تاز فناوری‌های نو در زمینه افزایش بهره‌وری آب بوده است؛ کره جنوبی به تپه‌ها و کوهستان‌ها لباس سبز پوشانده است؛ کاستاریکا برای اتکای کامل اقتصادی به انرژی‌های نو، برنامه‌ای را در سطح کشور به اجرا گذاشته است؛ آلمان در زمینه تغییر سیاست‌های مالیاتی و کاهش مالیات بر درآمد و جبران آن از طریق مالیات بر انرژی پیش‌قدم شده است؛ ایسلند اولین اقتصاد متکی بر هیدروژن جهان را طرح‌ریزی کرده است؛ آمریکا فرسایش خاک را از سال ۱۹۸۲ تا کنون حدود ۴۰ درصد کاهش داده است؛ هلند به جهان نشان داده است که چگونه می‌توان نظام حمل و نقلی را ایجاد کرد که در آن، دوچرخه در افزایش تحرک مردم و بهبود

مالیات‌های  
زیست محیطی از  
نظر تئوریک، ابزار  
مناسبی برای جبران  
خسارت‌های ناشی  
از آلودگی می‌باشند  
و تا حدودی از  
انتشار آلودگی  
موسسات و  
کارخانجات صنعتی  
می‌کاهند.

پی ریزی اقتصادی  
که به محیط زیست  
آسیب نرساند،  
بسیار دشوار به نظر  
می رسد، ولی تقریباً  
همه کشورها این کار  
مهم را آغاز کرده اند.

مالیاتی، نحوه تعیین پایه مالیات، رابطه بین مالیات اشخاص حقوقی و حقیقی و وضع مقررات خاص می تواند در کنترل آلودگی مؤثر واقع شود.

با توجه به اینکه نظام مالیاتی کشور قصد دارد تا یک سیستم مالیات زیست محیطی را طراحی کند، لذا آشنایی با بعضی از معیارهای موجود در مالیات زیست محیطی، می تواند به این امر کمک برساند. بر این اساس، در این مقاله ابتدا انواع مختلف مالیات های زیست محیطی و سپس معیارهایی که باید در مالیات زیست محیطی در مدنظر باشند، مورد بررسی قرار می گیرد. در قست بعد تجربه کشور آلمان در مورد اصلاح مالیات زیست محیطی مطرح می شود و در آخر نیز خلاصه و نتیجه گیری ارایه خواهد شد.

### انواع مالیات های زیست محیطی

**(۱) مالیات های مستقیم یا مالیات انتشار آلاینده ها:** این نوع مالیات که به مالیات پیگویی هم معروف است، با نرخ معین وضع می شود و به هر واحد انتشار آلاینده یا به هر واحد تخریب محیط زیست تعلق می گیرد و به صورت درصدی از درآمد افراد آلوده کننده محیط زیست دریافت می شود. لازم به ذکر است که پیش نیاز وضع این مالیات، وجود ابزار تکنولوژیک و سیستم اندازه گیری آلودگی و شناسایی عوامل آلوده کننده است. این نوع مالیات، بیشتر در کشورهای توسعه یافته صنعتی کاربرد دارد. در اتریش، آلمان و ایرلند عوارض زیاده بر اساس هر تن تعیین می گردد؛ در بلژیک، فرانسه و آلمان عوارض آلودگی صوتی برای فرود هواپیما، تعیین شده، ولی در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، این نوع مالیات کاربرد ندارد.

این نوع مالیات بر اساس سیستم قیمت عمل می کند. بنابراین، می تواند هزینه های سیاست زیست محیطی را

کیفیت زندگی شهری نقش اصلی را داشته باشد؛ فنلاند هم مصرف قوطی های نوشابه یک بار مصرف را ممنوع کرده است. اکنون مسأله این است که هر کشور سعی کند تا تمامی قطعات پازل اقتصادی زیست محیطی را کنار هم قرار دهد. مالیات های زیست محیطی از نظر تئوریک، ابزار مناسبی برای جبران خسارت های ناشی از آلودگی می باشند و تا حدودی از انتشار آلودگی مؤسسات و کارخانجات صنعتی می کاهند. مالیات های زیست محیطی همچنین دارای اثرات جانبی مطلوبی می باشند، از جمله مصرف کنندگان را نسبت به عواقب آلودگی کالاهایی که خریداری می کنند، آگاه می سازند و علاوه بر آن، از طریق سیستم توزیع مجدد درآمد، رفاه اقشار آسیب پذیر و فقیر جامعه را افزایش می دهند.

در برنامه سوم توسعه اقتصادی، در مورد محیط زیست پیش بینی هایی به عمل آمد، ولی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، به طور کامل تری مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه، ماده ۵۹ قانون برنامه چهارم دستگاه های مرتبط را مکلف به برآورد ارزش اقتصادی منابع طبیعی و زیست محیطی و هزینه های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست کرده است. همچنین در بند "الف" ماده ۶۱ همین قانون دولت مکلف شده است تا طرح خوداظهاری را برای پایین آوردن منابع آلوده کننده آغاز نماید و مقرر گردیده است که واحدهای تولیدی، خدماتی و زیربنایی براساس دستورالعمل محیط زیست، نسبت به نمونه برداری و اندازه گیری و تخریب های خود اقدام و نتیجه را اعلام کنند. در حال حاضر، بیش از ۱۴۰۰ واحد صنعتی آلوده کننده در کشور وجود دارند؛ این صنایع موظف هستند که هر سه ماه یکبار، وضعیت آلودگی شان را اعلام کنند و در همین راستا بیش از ۱۰۰۰ واحد آزمایشگاه معتبر در سراسر کشور فعال شده اند. همچنین طبق آیین نامه اجرایی ماده ۶۲ قانون برنامه چهارم توسعه، مالیات خودروهای نو تا ۱۰ سال ثابت بوده و پس از آن هر پنج سال دو برابر می شود. طبق آمار بانک جهانی، دولت ایران در سال ۲۰۰۶ متحمل پرداخت هشت میلیارد دلار خسارت بابت آلودگی هوا شده، به این ترتیب بیشترین بار خسارت آلودگی هوا بر دوش دولت است و این تنها بخشی از خساراتی است که صنایع آلوده کننده بر محیط زیست تحمیل می کنند.

بدون تردید، گرفتن مالیات راه حل نهایی نیست، اما می تواند در بسیاری از موارد به عنوان عامل کاهش آلودگی و یا عامل جبران خسارت زیست محیطی بکار رود. در کشور ما میزان مالیات دریافتی از صنایع آلوده کننده اندک است و نمی تواند به عنوان عامل بازدارنده در برابر آلودگی های زیست محیطی عمل کند. در هر حال، بسیاری از صاحب نظران اقتصادی بر این باورند که از طریق تعیین جرایم و بستن مالیات های سنگین، می توان تا حدودی آلودگی را کاهش داد. به عقیده این گروه از اقتصاددانان، استفاده از ابزارهای صرفاً مالی برای مقابله با آلودگی، اگر چه با شیوه های مطلوب انگیزه های بازار مطابقت ندارند، اما می توانند بسیار مؤثر واقع شوند. ساختار مالیات بر درآمد مشتمل بر نرخ های

غفلت از خورشید، نابخشودنی است.





هلند به جهان نشان داد که می توان یک نظام حمل و نقل مبتنی بر دوچرخه را ایجاد کرد.

**در حال حاضر، بیش از ۱۴۰۰ واحد صنعتی آلوده کننده در کشور وجود دارند. این صنایع موظف هستند که هر سه ماه یکبار، وضعیت آلاینده‌های شان را اعلام کنند.**

در کشور ما سهم مالیاتی که برای صنایع آلوده کننده پرداخت می‌شود، نیم درصد قیمت فروش به عنوان عوارض آلوده کننده محیط زیست است. این میزان قبلاً یک درصد بوده است و کاهش آن منطقی به نظر نمی‌رسد و باید این نرخ مورد بررسی مجدد کارشناسان قرار گیرد.

**۳) تنظیم مقررات زیست محیطی در سایر مالیات‌ها:** مقررات زیست محیطی در سایر مالیات‌ها از ابزارهای متداول، هم در کشورهای صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه است. مقررات مربوط به محیط زیست، همان اثراتی را دارند که مالیات‌های زیست محیطی غیرمستقیم دارا می‌باشند. این نوع مقررات معمولاً در مالیات بر درآمد افراد، مالیات بر درآمد شرکت‌ها، مالیات بر فروش عمومی، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر سوخت و مالیات بر خودروها مطرح می‌شوند. در ضمن، مقررات زیست محیطی می‌تواند شامل سیاست‌های تشویق سرمایه‌گذاری در تجهیزات کاهش آلودگی یا تشویق مالیاتی باشد. به طور مثال، کارخانجاتی که از صافی‌های مختلف برای کاهش آلودگی استفاده می‌کنند، مشمول تخفیف مالیاتی می‌شوند. سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و در بخش‌های غیرصنعتی موجب کاهش نرخ مالیاتی می‌شود.

در ایران، مقررات زیست محیطی بسیار محدود است. به طور مثال، در تبصره ۳ ماده ۱۳۸ قانون مالیات‌های

کاهش دهد و تولیدکنندگان را وادار سازد تا از طریق روش حداقل هزینه، بیشترین کارایی را در کاهش آلودگی داشته باشند. به طور مثال، با استفاده از این نوع مالیات، می‌توان استفاده از خودروها را محدود ساخت و از انتشار آلودگی وسایل نقلیه جلوگیری کرد.

**۲) مالیات زیست محیطی غیرمستقیم:** این مالیات بر انواع نهاده‌های تولیدی و یا کالاهای مصرفی که استفاده از آنها به نوعی با آسیب زیست محیطی همراه است، وضع می‌شود. کاربرد این نوع مالیات با استفاده از مکانیزم قیمت‌گذاری تشویقی باعث می‌شود که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، رفتارهای دفع و انتشار آلودگی خود را تغییر دهند و بدین ترتیب، ممکن است که سطح انتشار آلودگی را پایین بیاورند. مالیات‌های زیست محیطی غیرمستقیم، از جمله مالیات بر مواد سوختی، کاهش آلودگی را در همه جوانب مورد تشویق قرار نمی‌دهند، مگر آنکه رابطه تناسبی ثابتی بین همه جوانب کاهش آلودگی وجود داشته باشد. این نوع مالیات بر انواع کود شیمیایی، روغن‌ها، حشره‌کش‌ها، فرآورده‌های نفتی و پلاستیک‌ها وضع می‌شود.

مزیت مالیات‌های غیرمستقیم نسبت به مالیات‌های مستقیم در این است که اخذ مالیات از کالاهای زیان‌آور نسبت به اخذ مالیات از آلاینده‌ها که نیاز به سنجش میزان انتشار آلودگی دارد، آسان‌تر است.



**بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی بر این باورند که از طریق تعیین جرایم و بستن مالیات‌های سنگین، می‌توان تا حدودی آلودگی را کاهش داد.**

معیارهای زیادی در نظر گرفته شوند که مهمترین آنها عبارتند از:

(۱) بیشترین کاهش آلودگی محیط زیست باید با کمترین هزینه اقتصادی صورت گیرد.

(۲) در وضع مالیات زیست محیطی باید اهداف کمی شده به گونه‌ای مشخص شوند که هم حوزه جغرافیایی و هم مواد آلوده‌کننده مشخص باشند و میزان کاهش آلودگی هم باید کمی شود و مدت زمان لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر نیز باید مشخص باشد.

(۳) یک مالیات زیست محیطی فقط باید روی یک ماده آلوده‌کننده متمرکز باشد، زیرا تعیین چند ماده آلوده‌کننده، هدف‌های چندگانه‌ای را دنبال می‌کند که هر کدام به نوبه خود ممکن است در تناقض با اهداف دیگر قرار گیرد و موجب عدم کارایی شود.

(۴) یک مالیات محیط زیست باید این اطمینان خاطر را به وجود آورد که باعث کاهش آلودگی خواهد شد و میزان مالیات را هم از روی میزان مواد آلوده‌کننده‌ای که ایجاد می‌شود، تعیین کند.

(۵) یک مالیات زیست محیطی باید با نرخ معینی وضع شود و این نرخ از روی کثرت قیمتی کالاهای آلوده‌کننده محاسبه شود. بنابراین، نرخ مالیات زیست محیطی نباید اختیاری باشد و یا تحت تأثیر گروه‌های فشار اجتماعی تعیین شود.

(۶) انواع مختلف منابع انرژی باید نرخ‌های مالیات زیست محیطی متفاوتی داشته باشند و بر اساس میزان تخریب زیست محیطی آنها وضع شود.

(۷) از طریق مالیات زیست محیطی نباید ظرفیت مالیاتی را بالا برد، بلکه اعمال مالیات زیست محیطی باید همراه با کاهش سایر مالیات‌ها صورت گیرد. به عبارت دیگر، نرخ مالیات زیست محیطی نباید بار اضافی مالیاتی بر جامعه وارد کند، یعنی مؤدیان مالیاتی نباید تصور کنند که با پرداخت مالیات‌های زیست محیطی، با یک نوع مالیات اضافی مواجه شده‌اند و هزینه‌های آنها افزایش یافته است.

(۸) مالیات بر ارزش افزوده‌ای که از طریق مالیات زیست محیطی اخذ می‌شود، باید به گونه‌ای باشد که با توجه به اصل خنثا بودن درآمد، مجدداً به مؤدیان مالیاتی برگردد.

(۹) درآمد حاصل از مالیات زیست محیطی نباید صرف پرداخت کمک‌های بلاعوض شود. در مدل‌های مرسوم، این تمایل وجود دارد که درآمد مالیات‌های زیست محیطی صرف هزینه‌های تأمین اجتماعی شود، به این ترتیب، به تأمین اجتماعی، یارانه داده می‌شود. اگرچه پرداخت یارانه می‌تواند در تشویق توسعه مفید باشد، اما اگر یارانه به مدت طولانی پرداخت شود، این خطر وجود دارد که موجب انحراف از مسیر توسعه شود.

(۱۰) یک مالیات زیست محیطی باید در زمان مناسب از نظر سیاسی - اقتصادی اعلام شود و در ابتدا نیز مورد بحث صاحب‌نظران قرار گیرد و کار کارشناسی روی آن انجام گیرد و سپس جزییات آن به اطلاع عموم برسد.

مستقیم آمده است که کارخانه‌هایی که به شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران انتقال یابند، تا ده سال از پرداخت مالیات بر درآمد ناشی از فعالیت صنعتی معاف هستند. به علاوه، در ماده ۵ قانون "تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور" آمده است: به منظور محافظت از محیط زیست، شرکت‌ها و واحدهای صنعتی و معدنی مکلف هستند دو درصد سود خالص خود را صرف امور پژوهشی و تحقیقاتی زیست محیطی نمایند.

سازمان محیط زیست هم ابزارهای تشویقی برای کاهش آلودگی و ابزارهای تنبیهی برای آلوده‌کنندگان محیط زیست قرار داده است که بعضی از آنها در سال‌های گذشته عبارتند از:

### الف) ابزارهای تشویقی:

- واحدهای صنعتی که موفق به اخذ ایزو ۴۰۰۰ شوند، از ۲۰ تا ۹۰ درصد تخفیف در پرداخت جرایم زیست محیطی برخوردار می‌شوند و همچنین از پرداخت جرایم آلودگی معاف هستند و به ارایه گزارش خوداظهاری در مدت زمانی که کد ملی آنها دارای اعتبار است، نیاز ندارند.

- در بخش فرآورده‌های نفتی در اجرای طرح‌های زیست محیطی بیش از ۱/۶ تریلیون ریال هزینه شده است.

### ب) ابزارهای تنبیهی:

- مس سرچشمه به علت عدم رعایت مسایل زیست محیطی جریمه شد.

- پالایشگاه نفت تهران به علت آلودگی آب‌های زیرزمینی، مبلغ ۲۰ میلیارد تومان و به علت آلودگی هوای تهران، مبلغ ۱۱ میلیارد و ۴۰۰ تومان جریمه شد.

در عین حال، هنوز سطح جرایم وضع شده در ارتباط با آلودگی محیط زیست در کشور ما بسیار پایین است و مقامات مسوول هم در ایجاد مشوق‌های لازم برای تغییر رفتار صنایع آلوده‌کننده بسیار ضعیف عمل می‌کنند. نمونه این مقررات در برخی از کشورها عبارتند از:

- در کشور استرالیا، کاغذهای بازیافتی، تجهیزات انرژی خورشیدی و تبدیل سوخت موتورها به سوخت گاز طبیعی و ... از پرداخت مالیات معاف هستند.

- در کشور آرژانتین، برای بعضی از وسایل برقی، مالیات بر ارزش افزوده بالاتری وضع می‌شود.

- در کشور بلژیک، بر وسایل نقلیه بزرگ مالیات بر ارزش افزوده بالاتری وضع می‌شود، ولی برای مصارف خانگی سوخت‌های نفتی، برقی و گازی، نرخ مالیات بر ارزش افزوده پایین تر است.

- در کشور پرتغال، تجهیزات تولید انرژی خورشیدی دارای نرخ مالیات بر ارزش افزوده پایین تری است.

### معیارهای مالیات زیست محیطی

در طراحی یک سیستم مالیات زیست محیطی باید



استفاده از انرژی خورشیدی، جایگزین مناسبی برای منابع هیدروکربوری است.

**در کشور ما هنوز سطح جرایم وضع شده در ارتباط با آلودگی محیط زیست بسیار پایین است و مقامات مسوول هم در ایجاد مشوق‌های لازم برای تغییر رفتار صنایع آلوده‌کننده بسیار ضعیف عمل می‌کنند.**

(۲) افزایش مالیات برق در هر سال ۰/۵ درصد در هر کیلووات ساعت.

(۳) ثابت ماندن مالیات جاری روی نفت حرارتی و گاز. مالیات پیگو در آلمان شامل عوارض آلودگی صوتی هواپیما، عوارض دفع زباله‌های داخلی و زباله‌های خطرناک، عوارض فاضلاب با توجه به میزان خطرناک بودن آنها و ترکیبات متفاوت آن می‌باشد. مالیات غیرمستقیم بر سوخت و انرژی شامل نرخ بالاتر مالیات بر خودروهایی است که از سوخت سرب‌دار استفاده می‌کنند. مالیات غیرمستقیم و عوارض ذخیره سازی نفت، گاز، مالیات بر مصرف برق، مالیات صفر برای مصارف زغال‌سنگ است و سوخت صنعت هوانوردی هم از مالیات بر نفت معاف است. مالیات غیرمستقیم برای فاضلاب‌ها و آب‌های زاید صنعتی با نرخ معین که آن هم با توجه به مضر بودن ترکیبات آن مشخص می‌شود و کاهش نرخ مالیاتی، در صورتی که در جهت کاهش آلودگی اقداماتی به عمل آید.

مالیات ارزش افزوده، برای بنزین و برای مصرف خانگی، سوخت‌های گاز، نفت، برق، زغال‌سنگ، با نرخ‌های معمول برای گازوییل، سوخت‌های صنعتی و نفتی سنگین، با نرخ صفر و برای عرضه آب عمومی نصف نرخ معمول وضع می‌شود.

روبه‌رفته، اصلاحات نظام مالیات زیست محیطی در آلمان، اثرات مثبتی بر روی محیط زیست داشته، ولی اندازه اثرات آن در اقتصاد محاسبه نشده است. بر اساس معیارهای مطرح شده، در کشور آلمان علیرغم به کارگیری مالیات‌های زیست‌محیطی، نرخ‌های مالیاتی یک هدف زیست‌محیطی را دنبال نمی‌کنند و درآمدهای حاصل از این نوع مالیات، صرف هزینه‌های تأمین اجتماعی می‌شود و میزان پرداخت

## مالیات زیست محیطی در آلمان

در کشور آلمان، انواع قوانین مالیات زیست محیطی به اجرا درآمده است. قانون مالیاتی سال ۱۹۹۸، مالیات روی نفت و برق را وضع کرد. این مالیات براساس نرخ‌های متغیر با توجه به ملاحظات زیست محیطی اخذ می‌شود و شامل منابع تجدید پذیر برق نمی‌شود. قانون سال ۱۹۹۹ مربوط به مالیات‌های زیست‌محیطی است. سومین قانون در سال ۲۰۰۲ وضع گردید که مالیات روی نفت را افزایش داد. به طور همزمان، مالیات بردرآمد به همان نسبت کاهش یافت تا کل بار مالیاتی ثابت باقی بماند.

پارلمان آلمان در آوریل سال ۱۹۹۹ قانون اصلاح مالیات زیست‌محیطی را تصویب کرد و برای اجرا به دولت ابلاغ نمود که شامل موارد زیر است:

(۱) افزایش مالیات روی سوخت نفت خام معادل شش فنیگ (یک دهم مارک آلمان) در هر لیتر که معادل ۰/۱۲۵ دلار در هر بشکه است و چهار فنیگ برای هر لیتر نفت حرارتی و ۰/۳۲ فنیگ برای هر کیلووات ساعت گاز مصرفی. (۲) معرفی یک نوع مالیات بر برق معادل دو فنیگ در هر کیلو وات ساعت که معادل ۰/۱ دلار در هر کیلو وات ساعت است.

(۳) کاهش مالیات بر صنایع تا نرخ ۲۰ درصد که البته مواردی مستثنا می‌باشند.

(۴) اختصاص درآمد حاصل از مالیات زیست محیطی به صورت پارانهای برای امور تأمین اجتماعی.

اصلاحاتی که به سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ مربوط می‌شوند، عبارتند از:

(۱) افزایش مالیات بنزین و گازوییل در هر سال شش درصد در هر لیتر.

کمک‌های بلاعوض تقریباً افزایش یافته است.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

به طور کلی، در این مقاله سه نوع مالیات زیست‌محیطی تعریف شد که عبارتند از: مالیات مستقیم که برای انتشار آلاینده‌ها وضع می‌شود، مالیات غیرمستقیم که بر نهاده‌های تولیدی و کالاهای مصرفی که استفاده از آنها با آسیب زیست‌محیطی همراه است، تعیین می‌گردد و سوم، مقررات زیست‌محیطی در سایر مالیات‌ها. در ایران مالیات‌های مستقیم برای انتشار آلاینده‌ها وجود ندارد و مالیات‌های غیرمستقیم بر کالاهای آلوده‌کننده نیز بسیار محدود می‌باشد و تعداد ابزارهای زیست‌محیطی در سایر مالیات‌ها نیز بسیار کم است.

ملاک‌هایی که در یک مالیات زیست‌محیطی باید در نظر گرفته شوند، عبارتند از: حداکثر کاهش آلودگی با حداقل هزینه اقتصادی؛ دوم، داشتن اهداف کمی و تعیین اهداف آن براساس نرخ معینی که از روی کشش قیمتی محاسبه می‌شود. به علاوه، مالیات زیست‌محیطی نباید موجب افزایش پایه مالیات شود و افراد جامعه نباید تصور کنند که بار اضافی بر دوش آنها تحمیل شده است. به عبارت دیگر، مالیات زیست‌محیطی باید به گونه‌ای به خود آنها برگردد تا اصل خنثا بودن درآمد رعایت گردد.

منابع و ماخذ

- 1) [www.sbjum.de/English/htm/Taxcritena.htm/](http://www.sbjum.de/English/htm/Taxcritena.htm/)"Green Tax Criteria". Jetz and Morgan.
- 2) Ronald T. McMoran and David C.L.Nellor/"Tax Policy and the Environment; Theory and Practical/Fiscal Affairs Department/IMF/1994.
- 3) [www.jey1385.blogfa.com/post-208.aspx](http://www.jey1385.blogfa.com/post-208.aspx)
- 4) [www.hamshahrionline.ir/hamnews/1385/851223/world/mycity.htm](http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1385/851223/world/mycity.htm).
- 5) [tv4.irib.ir/progtext/fulltext.asp?id=414-37k](http://tv4.irib.ir/progtext/fulltext.asp?id=414-37k)

**وضع مالیات  
زیست‌محیطی، نباید  
بار مالیاتی اضافی  
برای مؤدیان داشته  
باشد.**

در بررسی مالیات‌های زیست‌محیطی کشورها، به نظر می‌رسد که تئوری مالیات‌های زیست‌محیطی در عمل اجرا نمی‌شود. تعارض موجود میان نظریه و عمل در مالیات‌های زیست‌محیطی، می‌تواند از عوامل متعددی سرچشمه گرفته باشد که از جمله آنها می‌توان به دشوار بودن اجرای مالیات‌های زیست‌محیطی اشاره کرد که باعث می‌شود اثربخشی آنها مورد سوال قرار گیرد و اثرات این نوع مالیات‌ها بر سایر اهداف سیاستی ممکن است باعث عدم تمایل به کاربرد آنها شود. با این که مالیات‌های زیست‌محیطی به طور خیلی گسترده مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، ولی رایج‌ترین مالیات‌های زیست‌محیطی همان مقررات زیست‌محیطی در سایر مالیات‌ها می‌باشد و مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، به خصوص در کشورهای در حال توسعه چندان رایج نیستند. در نهایت باید اذعان کرد که مالیات‌های زیست‌محیطی باید در کنار سایر ابزارهای سیاستی محیط زیست به کار گرفته شوند و اصلاحات ساختاری از قبیل حق مالکیت زمین و اصلاح قیمت‌گذاری کالاهای زیان‌آور به محیط زیست، باید قبل از اصلاح مالیات زیست‌محیطی صورت گیرد و اختیارات بیشتری هم باید به مقامات مالیاتی و مسوولان زیست‌محیطی داده شود تا بتوانند نهادهای آلوده‌کننده محیط زیست را تشویق یا تنبیه کنند تا ساختار صنایع آلوده‌کننده خود را تغییر دهند.

تاریخ .....

نام و نام خانوادگی مشترک: .....

سن: ..... تحصیلات: ..... شغل: .....

شماره‌های درخواستی: از شماره ..... تا شماره .....

نشانی پستی: .....

شماره تلفن تماس: .....

### مشترک گرامی

\*هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۳۰۰۰۰ ریال و برای یک سال ۶۰۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸ - ۱۴۱۵۵